

درس ۹۳

استاد:

آموزشیار:

انفال چیزهایی است که امام (علیهم السّلام) به خاطر منصب امامتش، مستحق آن می‌باشد. همان طور که به دلیل ریاست الهی (و امامتی) که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داشت، انفال متعلق به او بود. در این درس به مطالبی درباره انفال اشاره خواهد شد.

متن عربی:

ومنها: رؤوس الجبال وما يكون بها من النبات والأشجار والأحجار ونحوها، وبطون الأودية، والآجام - وهى الأراضى الملتقّة بالقصب والأشجار- من غير فرق فى هذه الثلاثة بين ما كان فى أرض الإمام عليه السلام، أو المفتوحة عنوة، أو غيرهما. نعم ما كان ملكاً لشخص ثم صار أجمّة - مثلاً - فهو باقٍ على ما كان.

ومنها: ما كان للملوك من قطائع وصفايا.

ومنها: صفو الغنيمة كفرس جواد، وثوب مرتفع، وسيف قاطع ودرع فاخر، ونحو ذلك.

ومنها: الغنائم التى ليست بإذن الإمام عليه السلام.

ومنها: إرث من لا وارث له.

ومنها: المعادن التى لم تكن لمالك خاصّ تبعاً للأرض أو بالإحياء.

(مسألة) : الظاهر إباحة جميع الأنفال للشعبة فى زمن الغيبة؛ على وجه يجرى عليها حكم الملك؛ من غير فرق بين الغنى منهم والفقير، إلاّ فى إرث من لا وارث له، فإنّ الأحوط - لو لم يكن الأقوى - اعتبار الفقر فيه، بل الأحوط تقسيمه على فقراء بلده، والأقوى إيصاله إلى الحاكم الشرعى. كما أنّ الأقوى حصول الملك لغير الشيعى أيضاً؛ بحيازة ما فى الأنفال من العشب والحشيش والحطب وغيرها، بل وحصول الملك لهم - أيضاً - للموات بسبب الإحياء كالشيعى.

كتاب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

مقدمه

وهما من أسمى الفرائض وأشرفها، وبهما تقام الفرائض، ووجوبهما من ضروريات الدين، ومنكره مع الالتفات بلازمه و الالتزام به من الكافرين وقد ورد الحثّ عليهما فى الكتاب العزيز والأخبار الشريفة بالسنة مختلفة، قال اللّٰه تعالى «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» وقال تعالى «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» إلى غير ذلك.

وعن الرضا عليه السلام «كان رسول اللّٰه صلى اللّٰه عليه وآله يقول:

إذا أمتى تواكلت الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فليأذنوا بوقاع من اللّٰه» وعن النبي صلى اللّٰه عليه وآله «إنّ اللّٰه عز وجل ليبغض المؤمن الضعيف الذى لا دين له، فقيل وما المؤمن الضعيف الذى لا دين له؟ قال: الذى لا ينهى عن المنكر» وعنه صلى اللّٰه عليه وآله أنه قال: «لا تزال أمتى بخير ما أمروا بالمعروف ونهوا عن المنكر وتعاونوا على البرّ، فإذا لم يفعلوا ذلك نزعتم منهم البركات، وسلط بعضهم على بعض، ولم يكن لهم ناصر فى الأرض ولا فى السماء» وعن أمير المؤمنين عليه السلام أنه خطب فحمد اللّٰه وأثنى عليه ثم قال: «أما بعد فإنه إنما هلك من كان قبلكم حيثما عملوا من المعاصى ولم ينههم الربانيون والأخبار عن ذلك، وأنهم لما تماردوا فى المعاصى ولم ينههم الربانيون والأخبار عن ذلك نزلت بهم العقوبات، فأمروا بالمعروف وانهوا عن المنكر، واعلموا أنّ الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر لن يقربا أجلا، ولن يقطعوا رزقا» الحديث وعن أبى جعفر عليه السلام أنه قال: «يكون فى آخر الزمان قوم يتبع فىهم قوم مراءون فيتقرؤون ويتسكون حدثاء سفهاء لا يوجبون أمرا بمعروف ولا نهيا عن منكر إلا إذا أمنوا

الضرر يطلبون لأنفسهم الرخص و المعاذير- ثم قال:- و لو أضرت الصلاة بسائر ما يعملون بأموالهم و أبدانهم لرفضوها كما رفضوا أسمى الفرائض و أشرفها، إن الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض، هنالك يتم غضب اللّٰه عز و جل عليهم فيعمّهم بعقابه، فيهلك الأبرار في دار الأشرار، و الصغار في دار الكبار» و عن محمد بن مسلم قال: «كتب أبو عبد اللّٰه عليه السلام الى الشيعة ليعطفن ذوو السنّ منكم و النهي على ذوى الجهل و طلاب الرئاسة، أو لتصيبنكم لعنتى أجمعين» إلى غير ذلك من الأحاديث .

ومنها: رؤوس الجبال وما يكون بها من النبات والأشجار والأحجار ونحوها، و بطون الأودية، والآجام - وهى الأراضى الملتفة بالقصب والأشجار- من غير فرق فى هذه الثلاثة بين ما كان فى أرض الإمام عليه السلام، أو المفتوحة عنوة، أو غيرهما. نعم ما كان ملكاً لشخص ثم صار أجمّة - مثلاً - فهو باقٍ على ما كان.

و از آن جمله است: سر کوه‌ها و آنچه که از گیاه و درخت‌ها و سنگ‌ها و مانند این‌ها در آن‌ها می‌باشد، و عرصه وادی‌ها و «آجام» - و آن زمین‌هایی است که با نی و درختان پوشیده شده است - و در این سه، بین آن در زمین امام (علیه‌السلام) یا در مفتوح عنوه یا در غیر این‌ها باشد فرقی نمی‌کند؛ البته آنچه که ملک شخصی بوده سپس مثلاً نیزار شود بر آنچه که بوده است باقی می‌ماند (و ملک صاحبش می‌باشد).

ومنها: ما کان للملوک من قطائع و صفایا.

و از آن جمله است: آنچه که از اموال غیر منقول و منقول از مختصات شاهان بوده است.

ومنها: صفو الغنیمه کفرس جواد، و ثوب مرتفع، و سیف قاطع و درع فاخر، و نحو ذلک.

و از آن جمله است: غنیمت ممتاز، مانند اسب سواری نجیب و لباس گران‌قیمت و شمشیر برنده، و زره فاخر، و مانند این‌ها.

ومنها: الغنائم التي لیست بإذن الإمام علیه‌السلام.

و از آن جمله است: غنیمت‌هایی که (جنگ در آن) با اذن امام (علیه‌السلام) نباشد.

ومنها: إرث من لا وارث له.

و از آن جمله است: ارث کسی که وارثی نداشته باشد.

ومنها: المعادن التي لم تكن لمالک خاصّ تبعاً للأرض أو بالإحیاء.

و از آن جمله است: معادنی که به تبع زمین یا به واسطه احیای آن، ملک مالک خاصی نباشد.

(مسأله): الظاهر إباحتها لجميع الأنفال للشيعة في زمن الغيبة؛ علی وجه یجری علیها حکم الملک؛ من غیر فرق بین الغنیّ

منهم والفقیر، إلاّ فی إرث من لا وارث له، فإنّ الأحوط - لو لم یکن الأقوی - اعتبار الفقر فيه...

مسئله: ظاهر آن است که همه انفال در زمان غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای عموم

شیعه مباح است، به صورتی که حکم ملک بر آن جریان دارد بدون آن که بین غنی و فقیر شیعه فرقی باشد، مگر در

موارد ارث کسی که وارث ندارد، زیرا احتیاط - اگر اقوی نباشد - آن است که فقیر بودن در آن معتبر است.

بل الأحوط تقسیمه علی فقراء بلده، والأقوی إيصاله إلى الحاکم الشرعی. كما أنّ الأقوی حصول الملک لغير الشیعی

أیضاً؛ بحیازة ما فی الأنفال من العشب والحشیش والحطب وغيرها، بل وحصول الملک لهم - أيضاً - للموات بسبب

الإحیاء كالشیعی.

بلکه احتیاط آن است که بین فقرای شهر میت تقسیم شود، و اقوی آن است که باید به حاکم شرع رسانده شود، هم

چنان که اقوی آن است که اگر غیر شیعه آنچه را که در انفال است از گیاه و علف و هیزم و غیر این‌ها حیازت کند

مالک آن می‌شود، بلکه اگر زمین موات را هم احیا کنند مانند شیعه ملکیت برایشان حاصل می‌شود.

و هما من أسمى الفرائض و أشرفها، و بهما تقام الفرائض، و وجوبهما من ضروریات الدین، و منکره مع الالتفات بلازمه و الالتزام به من الکافرین و قد ورد الحثّ علیهما فی الكتاب العزیز و الأخبار الشریفة بالسنة مختلفة، قال اللّٰهُ تعالی «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و قال تعالی «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» إلى غیر ذلك.

این دو از والاترین و شریفترین واجبات می باشند و به وسیله اینها واجبات برپا می شود، و وجوب اینها از ضروریات دین است و منکر آن در صورت توجه به لازمه انکار و ملزم شدن به آن از کفّار می باشد. و در کتاب عزیز (قرآن) و احادیث شریفه با زبانهای مختلف بر آنها ترغیب و توجه شده است. خداوند متعال می فرماید: «و باید از شما امتی باشند که دعوت به خیر نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند، و اینان هستند که رستگارانند» (۱). و (باز) خداوند متعال می فرماید: «شما بهترین امتی هستید که برای مردم بیرون آورده شدید. امر به معروف می کنید و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان می آورید» (۲) و آیاتی دیگر.

و عن الرضا عليه السلام «كان رسول اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُول: إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذِنُوا بَوَاقِعَ مِنَ اللّٰهِ» و عن النبی صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لِيُبْغِضَ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ، فَقِيلَ وَ مَا الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»

و از حضرت رضا (علیه السلام) [نقل شده] است که: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین بود که [بارها] می فرمود: وقتی امت من امر به معروف و نهی از منکر را واگذارند، پس باید با خدا اعلان جنگ نمایند» (۳). و از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) [منقول] است که: «حقیقتاً خدای عزّ و جلّ نسبت به مؤمن ضعیفی که دین ندارد، بغض دارد. پس گفته شد: مؤمن ضعیفی که دین ندارد، یعنی چه؟ فرمود: کسی است که نهی از منکر نمی کند» (۴).

و عنه صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تَرَالِ أُمَّتِي بَخِيرَ مَا أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوُوا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتِ، وَ سَلَطَتْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ» و (باز) از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است که فرمود: «مادامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر می کنند و بر نیکی کمک می نمایند، در خیر می باشند. پس وقتی چنین نکردند، برکتها از آنان سلب می شود و بعضی از آنها بر بعضی دیگر مسلط می شوند و برای آنها یآوری نیست نه در زمین و نه در آسمان» (۵).

و عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه خطب فحمد الله و أثنى عليه ثم قال: «أما بعد فإنه إنما هلك من كان قبلكم حيثما عملوا من المعاصي و لم ينههم الربانيون و الأحبار عن ذلك، و أنهم لما تمادوا في المعاصي و لم ينههم الربانيون و الأحبار عن ذلك نزلت بهم العقوبات، فأمروا بالمعروف و انهوا عن المنكر، و اعلموا أن الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر لن يقربا أجلا، و لن يقطعوا رزقا» الحديث

و از امیر المؤمنین (علیهم السلام) است که خطبه خواند و ستایش خدا را نمود و بر او ثنا فرستاد سپس فرمود: «اما بعد همانا از پیشینیان، کسانی که هلاک شدند، تنها وقتی بود که گناهان را انجام می دادند و ربانیون و احبار، آنان را از این کار، نهی نمی کردند بدرستی که آنان چون در معاصی، به آخرین درجه رسیدند و ربانیون و احبار، آنان را از این کار منع نمودند، عقوبتها بر آنان نازل شد؛ پس امر به معروف کنید و نهی از منکر بنمایید و بدانید که امر به معروف و نهی از منکر هرگز اجلی را نزدیک نمی کنند و رزقی را قطع نمی نمایند»، تا آخر حدیث «۱».

و عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: «يكون في آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مراءون فيتقروون و يتنسكون حدثاء سفهاء لا يوجبون أمرا بمعروف و لا نهيا عن منكر إلا إذا أمنوا الضرر يطلبون لأنفسهم الرخص و المعاذير- ثم قال:- و لو أضرت الصلاة بسائر ما يعملون بأموالهم و أبدانهم لرفضوها كما رفضوا أسمى الفرائض و أشرفها، إن الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض،

و از ابو جعفر امام محمد باقر (علیهم السلام) است که فرمود: «در آخر الزمان گروهی هست که در میان آنان از دسته‌ای ریا کار پیروی می شود که قرآن خواندن و عبادت کردن را به خود می بندند تازه بدوران رسیدگان و بی خردانند نه امر به معروف را واجب می شمارند و نه نهی از منکر را، مگر زمانی که از ضرر آن آسوده خاطر باشند بدنبال آیند که برای خودشان رخصتی بیابند و عذری پیدا کنند- سپس فرمود:- و اگر نماز به دیگر کارهایی که با اموالشان و یا با بدنهایشان انجام می دهند ضرر می رسانید حتما نماز را (هم) ترک می کردند همانگونه که بالاترین و شریفترین واجبات (یعنی امر به معروف و نهی از منکر) را ترک کردند، همانا امر به معروف و نهی از منکر واجب بزرگی است که با آن واجبات (دیگر) برپا می شود،

SCO2 = 25 : 43

هنالك يتم غضب الله عز و جل عليهم فيعتمهم بعقابه، فيهلك الأبرار في دار الأشرار، و الصغار في دار الكبار» و عن محمد بن مسلم قال: «كتب أبو عبد الله عليه السلام الى الشيعة ليعطفن ذوو السن منكم و النهي على ذوى الجهل و طلاب الرئاسة، أو لتصيبنكم لعنتي أجمعين» إلى غير ذلك من الأحاديث .

در آنجا (که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند) غضب خدای عزّ و جلّ به مرحله کمال می رسد و خداوند همه را با عقابش فرا می گیرد، پس نیکان در خانه بدان و کوچکان در خانه بزرگتران نابود می شوند»

«۲». و از محمد بن مسلم (روایت) است که گفت: «حضرت امام صادق (علیهم السلام) به شیعیان نوشت که حتما سالمندان و خردمندان شما به نادانان و ریاست طلبان توجهی می کنند و یا آنکه لعنت من حتما به همه شما خواهد رسید» (۳). و احادیث دیگری از این قبیل.

سی دی ۹۴ ← SCO3 = 9 : 05

چکیده:

* انفال در چند چیز است:

- سر کوه‌ها و آنچه که از گیاه و درخت‌ها و سنگ‌ها و مانند این‌ها در آن‌ها می‌باشد و عرصه وادی‌ها و آجام.

- آنچه که از اموال غیرمنقول و منقول از مختصات شاهان بوده است.
 - غنیمت ممتاز.
 - غنیمت هایی که جنگ در آن با اذن امام (علیه السلام) نباشد.
 - معادنی که به تبع زمین یا به واسطه احیای آن، ملک مالک خاصی نباشد.
 - ارث کسی که وارثی نداشته باشد.
- * ظاهر آن است که همه انفال در زمان غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای عموم شیعه مباح است بدون آن که بین غنی و فقیر شیعه فرقی باشد.

آزمون:

۱- همه انفال در زمان غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فقط برای فقرا شیعه مباح است.

نادرست

درست

۲- اگر غیر شیعه آنچه را که در انفال است از گیاه و علف و هیزم و غیر این‌ها حیازت کند مالک آن می‌شود.

نادرست

درست

۳- همه انفال به غیر از ارث کسی که وارث ندارد در زمان غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای عموم شیعه مباح است.

نادرست

درست